



سر‌دار منوچهر امان‌اللهی*

تقویت پلیس جامعه‌محور برای تأمین امنیت بیشتر

پلیس جامعه‌محور را می‌توان رویکرد جدید پلیس دانست که مجموعه‌ای از برنامه‌های مطوف به تقویت تعاملات اجتماعی پلیس و گروه‌های اجتماعی، به‌ویژه اگشار آسیب‌پذیر را از طرق گوناگون همچون تشکیل انجمن‌های مشورتی -حمله‌ای و تا تأکید بر حل مسئله از طریق گفت‌وگو در بر می‌گیرد. پلیس جامعه‌محور ضمن درک بهتر نیازهای اجتماعی و انتظامی شهروندان تعهد بیشتری نسبت به احساس امنیت دارد و در نتیجه به نحو مطلوب‌تری در جلب اعتماد مردم به پلیس یاری می‌رساند. پلیس جامعه‌محور به‌عنوان راهبرد غالب پلیسی با استفاده از شناسایی و فعال ساختن سازو کارهای مشارکت اجتماعی سعی در برآوردن نیازهای امنیتی جامعه‌دارد. همچنین مجموعه‌ای از تغییر‌ها مانند تغییر در نوع و پیچیدگی جرم، تغییر ساختار جمعیت، افزایش تقاضا برای خدمات پلیسی، میزان ترس از جرائم، تغییر ارزش‌ها و مسائل جهانی مانند نگرانی‌های تربیت محیطی و قاچاق مواد مخدر از جمله عواملی هستند که نیاز به تغییر در سازمان پلیس را بیشتر می‌کنند. در این راستا، تح‌صیلات کارکنان پلیس افزایش یافته‌و انگیزه آنان تغییر کرده‌است. ولی برای حرکت به سوی پلیس جامعه‌محور که مبتنی بر حل مسئله و همکاری مردم باشد، لازم است تغییرهای دیگری هم رخ دهد از جمله اداره امور پلیسی جامعه‌محور نیازمند تغییر در راهبردها، ساختار سازمانی و شیوه رهبری پلیس دارد و اتخاذ رویکرد جدید در مبارزه با جرم و جنایت لازم است.

از طرف دیگر در سازمان‌های پلیسی همیشه مقرراتی برای حل مسائل وجود ندارد و در خیلی از موارد مأموران مجبور می‌شوند از قدرت تفکر خود و با تشریک مساعی اعضای جامعه برای حل مشکلات راه‌حل پیدا کنند. در این راستا، شهروندان اطلاعاتی دارند که می‌تواند در دستگیری افراد خاطی و شناسایی موارد مشکل‌زا و ارائه این راه‌حل‌ها به پلیس کمک کند. بنابراین پلیس درک بهتری از نیازهای شهروندان خواهد داشت و به آنها کمک می‌کند تا اعتماد بیشتری به پلیس پیدا کنند و این اعتماد باعث می‌شود پلیس و شهروندان برای رسیدن به یک هدف مشترک که داشتن محیطی امن است، همراه یا هم تلاش کنند. علاوه بر آن وقتی پلیس به کمک شهروندان دلخوش باشد، به‌طور مؤثرتری فعالیت و به مردم کمک می‌کند تا کنترل بیشتری روی کیفیت زندگی خود در جامعه داشته باشند.

از همین‌رو پلیس جامعه‌محور، موجب ارتقای تعامل و همکاری و تقویت احساس امنیت در مردم می‌شود. همچنین نوعی از نباط بین مردم و سازمان پلیس است که موجب ارتقای رفاه جامعه خواهد شد. می‌توان گفت پلیس جامعه‌محور، توجه پلیس را از رسیدگی به یک رویداد (معلوم) به سمت حل ریشه‌ای مشکلات شناسایی شده توسط جامعه و پلیس مطوف می‌دارد. از همین‌رو دو عنصر اصلی و اساسی پلیس جامعه‌محور، مشارکت اجتماعی و حل مشکل است که این دو مؤلفه باید به یک اندازه مورد توجه واقع شوند. در یک دیدگاه، پلیس جامعه‌محور تعارض کلی با پلیس سنتی ندارد؛ زیرا مهارت‌های پلیس سنتی در پلیس جامعه‌محور کاربرد دارد. به عبارتی سازماندهی مجدد همه واحدهای پلیس موجود ضرورت ندارد و اصلاحات جزئی نیاز است.

در رویکرد جامعه‌محوری، امنیت یک محصول اجتماعی و فرآیند تعامل و تعاون اجزای مختلف اجتماع است. از این منظر پلیس در خدمت مردم به کمک مردم و با افزایش کارایی و توانمندی‌های خود می‌کوشد پاسخگوی نیازهای امنیتی و انتظامی جامعه باشد و فاصله تاریخی ایجاد شده بین مردم از یک‌سو و نهادهای وابسته به حکومت از جمله پلیس را کاهش می‌دهد.

* فرمانده انتظامی استان چهارمحال و بختیاری

تشکیل باند خانوادگی برای سرقت طلا

اعضای یک خانواده که با معرفی خود به عنوان تبعه کشور عراق طلای مسافران را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، چندی قبل شکایات‌های مشابهی درباره سرقت طلای زنان به مأموران پلیس تهران گزارش شد. یکی از شاکیان توضیح داد: کنار خیابان منتظر رسیدن تاکسی بدم که یک خودروی شخصی که مشخص بود اعضای یک خانواده سوار هستند، توقف کرد. من هم بعد از گفتن مسیرم سوار شدم. راننده و سرنشینان سر حرف را باز کردند و گفتند که اعضای یک خانواده و تبعه کشور عراق هستند. آنها گفتند برای خرید طلا به ایران آمده‌اند و از من در این‌باره راهنمایی خواستند. زنی که کنارم نشسته بود با دیدن الگوهای ذوق زده شد و از من خواست آن را به او نشان دهم که اعتماد کردم و الگوهایم را به او دادم. او بعد از بررسی الگوها آنها را برگرداند. بعد از رسیدن به مقصد من پیاده شدم و آنها هم به مسیرشان ادامه دادند. بعد از آن بود که متوجه شدم الگوهایم جایگزین شده و آن زن الگوهایم را سرقت کرده‌است که شکایت دارم.

همزمان با طرح شکایات‌های مشابه، کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی موفق شدند در جریان تحقیقات بیشتر متهمان را که اعضای یک خانواده بودند، شناسایی و آنها را بازداشت کنند. سه زن و سه مرد بازداشت شده در جریان تحقیقات به سرقت‌های سریالی طلا به این شیوه اعتراف کردند.

سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «بررسی سوابق متهمان نشان ادعای اعضای این باند از مدتی قبل به اتهام سرقت طلای زنان به این شیوه از سوی پلیس چند استان تحت تعقیب قرار داشتند. وی گفت تحقیقات از متهمان در پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.»

هوشیاری بازپرس، متهم را به دام انداخت

■ آر‌مین بینا

مرد میان‌سال‌ی که از دو سال قبل به اتهام قتل در کرج تحت تعقیب بود، وقتی برای تحقیق درباره دو پسر بازداشت شده‌اش وارد دادسرای امور جنایی شد با هوشیاری بازپرس به دام افتاد.

۲۸ آذر ۹۹ به مأموران پلیس کرج خبر رسید چند مرد در بهشت سکینه درگیری خونینی را رقم زده‌اند.

وقتی مأموران پلیس به محل حادثه رسیدند، دریافتند لحظاتی قبل مردی همراه دو پسرش با مرد جوانی درگیر شده که در جریان آن مرد جوان با اصابت چاقو زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. قزاقی بعد مأموران پلیس برای تحقیق راهی بیمارستان شدند که نیم‌پزشکی اعلام کرد مرد جوان بر اثر شدت خونریزی به کام مرگ رفته است.

با اعلام خبر قتل، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان جنایی برای بررسی حادثه وارد عمل شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول و عاملان قتل یکدیگر را می‌شناختند و این درگیری را نیز در مراسم چهلم یکی از بستگانشان در بهشت سکینه رقم زده‌اند.

هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، مأموران برای بازداشت مظنونان به خانه آنها رفتند، اما مشخص شد عاملان قتل پس از حادثه به مکان ناعلمولی گریخته‌اند.

■ **بازداشت ۲ برادر در تهران**

سپس مأموران پلیس متهمان را تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه چند روز قبل رد دو برادر را در یکی از محلات جنوبی تهران که به صورت مخفیانه زندگی می‌کردند، به دست آوردند. بنابراین کارآگاهان پلیس آگاهی کرج با گرفتن نیابت قضایی راهی تهران شدند و به دستور قاضی محمد وهابی، دو متهم را بازداشت و به دادسرای امور جنایی تهران منتقل کردند. اما ردی از متهم سوم که پدر دو برادر بود، به دست نیامورد.

دو برادر در بازجویی‌ها به درگیری با مقتول اعتراف کردند، اما مدعی شدند در قتل دخالتی نداشتند. یکی از متهمان گفت: «من و مقتول با هم اختلاف داشتیم و روز حادثه هم نزاع دست‌جمعی بود و نمی‌دانم چه کسی به مقتول ضربه

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

زد. پس از این حادثه من، برادرم و پدرم از ترس فرار کردیم

■ **بازداشت سومین متهم در شعبه**

در حالی که متهمان جرم خود را انکار می‌کردند، بازپرس شعبه متوجه مرد میان‌سال‌ی شد که شباهت زیادی با متهمان داشت. مرد میانسال بیرون از شعبه و داخل دفتر درباره متهمان سوالاتی می‌پرسید و سعی داشت به هر روشی شده اطلاعاتی از پروند به دست آورد. بازپرس به حرکات و رفتار مرد میانسال مشکوک شد و احتمال داد او پدر دو برادر باشد که به اتهام قتل فراری بود و مأموران موفق به دستگیری وی نشده‌اند. بدین ترتیب مأموران به دستور قاضی شعبه، مرد میانسال را بازداشت و به داخل شعبه منتقل کردند. متهم وقتی دید دستش رو شده، خودش را معرفی کرد و گفت از دو سال قبل به خاطر حادثه مرگ‌بار بهشت سکینه زندگی مخفیانه‌ای داشته است.

وی در ادعایی گفت: «مقتول اشنای ما بود، اما از مدتی قبل به خاطر موضوعی جزئی با پسرم اختلاف پیدا کرد. او مدام برای پسرم پیامک‌های تهدیدآمیز می‌فرستاد و فحاشی می‌کرد. پسرم نیز جواب پیامک‌های او را می‌داد تا اینکه در مراسم ختم یکی از بستگانمان با هم درگیر شدند. آن درگیری با میانجیگری بستگان و آشنایان ختم به خیر شد، اما کاری خوانی آنها ادامه داشت تا اینکه در مراسم چهلم همان مرحوم در بهشت سکینه با هم درگیر شدیم. آن روز او هم تعدادی از بستگانش به ما حمله کرد و ما هم با او درگیر شدیم. اما نمی‌دانیم چه کسی او را با چاقو زد. پس از این حادثه از ترس فراری شدید تا اینکه امروز متوجه شدم دو پسرم بازداشت و برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شده‌اند. خیلی نگران پسرانم بودم، به همین خاطر برای پرس‌وجو به دادسرا آمدم و می‌دانستم تحت تعقیب پلیس هستم، اما سعی کردم شناسایی نشوم که هوشیاری بازپرس دست مرا رو کرد و بازداشت شد.»

متهمان در ادامه با صدور قرار عدم صلاحیت در اختیار کارآگاهان پلیسی آگاهی کرج قرار گرفتند تا از سوی مقام قضایی محل حادثه، مورد تحقیق قرار بگیرند.

مرد مزاحم در خواست قصاص کرد

با طرح این شکایت، دانیال بازداشت شد. او در شرح ماجرا گفت: «بهمان را می‌شناختم. او از بچه‌های محل و چند بار مزاحم همسرم شده بود. روزی با او صحبت کردم و خواستم دست از سر زندگی‌ام بردارد، اما او به دست‌گرایم توجهی نداشت و گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود. روز حادثه در خانه بودم که بهمین با یک اسلحه ساچمه‌ای به خانه ما آمد و بار دیگر با هم درگیر شدیم. درگیری بالا گرفته بود، نگران بودم او به طرفم شلیک کند، به همین خاطر اسلحه را گرفتم و برای اینکه او را بترسانم به طرفش شلیک کردم تا فرار کند، اما تیر به چشم او خورد و این حادثه اتفاق افتاد.»

بعد از ایمن توضیحات از آنجایی که شاکی درخواست قصاص چشم کرده بود، او به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان در گزارشی اعلام کردند، چون چشم شاکی به‌طور کامل تخلیه نشده و هنوز عنیبه و مردمک چشم از بسین نرفته است، امکان قصاص چشم وجود ندارد.

با اعلام این گزارش، پرونده به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در آن جلسه شاکی به جایگاه رفت و با توجه

کشف جسد مرد ناشناس در رودخانه

مردی که موضوع را به مأموران خبر داده بود، گفت: «هر حال تمیز کردن خیابان و اطراف رودخانه بودم که بوی بدی به مشام رسید. ابتدا فکر کردم حیوانی تلف شده‌باشد، به همین دلیل به دنبال بو گشتم تا اینکه داخل رودخانه متوجه دست‌انسانی شدم. به داخل رودخانه رفتم و با جسد مردی روبه‌رو شدم و موضوع را به پلیس خبر دادم. مأموران پلیس در بررسی‌ها هیچ مدرک هویتی از مرد فوت شده کشف نکردند و در ادامه جسد

تجربش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره

دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه با جسد مردی روبه‌رو

داشتند که کبودی و بوی تعفن آن حکایت از آن

بود که مرگ وی حدود ۱۵ روز گذشته است.

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل کارکنان خدمات شهرداری در حال تمیز کردن محل بودند که بوی تعفن به مشامشان می‌رسد و به

جسد می‌رسند.

مأموران پلیس تهران جسد مرد ناشناسی را در یکی از رودخانه‌های اطراف میدان تجریش کشف کردند که

به طرز مشکوکی به کام سرگ رفته بود.

به گزارش «جوان»، ساعت یک بامداد دیروز

شنبه ۲۵ مرداد قاضی محمد وهابی، بازپرس

ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس

تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش از کشف

جسد مردی داخل روزخانه‌ای اطراف میدان

با گزارش پزشکی قانونی خواست این‌بار درخواستش در کمیسیون ۹ نفره پزشکی قانونی بررسی شود.

با موافقت این درخواست از سوی هیئت قضایی، این درخواست بار دیگر در کمیسیون ۹ نفره پزشکی قانونی تحت بررسی قرار گرفت و این‌بار کارشناسان پس از بررسی‌های لازم اعلام کردند امکان قصاص چشم وجود دارد. با اعلام این نظریه، پرونده بار دیگر تحت رسیدگی قرار گرفت. در آن جلسه متهم در دفاع از خود گفت: «باور کنید قصد نداشتم به شاکی صدمه‌ای بزنم. او مزاحم همسرم بود و من چند بار از او خواستم دست از این رفتارش بردارم، اما اعتنایی نمی‌کرد، به همین دلیل وقتی اسلحه را در دست او دیدم از ترس اینکه به طرفم شلیک کند، آن را گرفتم و یک تیر به طرفش شلیک کردم، اما تیر به چشمش برخورد کرد. او خودش اسلحه آورده بود و همین خاطر باید از خودم دفاع می‌کردم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد و با توجه به نظریه کمیسیون ۹ نفره پزشکی قانونی، متهم را به قصاص چشم و دو سال حبس محکوم کرد.



حسین فصیحی

ترک فعل مسئولان امنیت را کاهش داده‌است

تأمین امنیت، پیوست‌های بسیاری دارد که بی‌توجهی به آن بروز اعمال مجرمانه، سوانح و به پیوست آن افزایش آسیب‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. بخش مهمی از این آسیب‌ها که در معرض نگاه و داوری مردم قرار دارد در ترک فعل مسئولان صورت می‌گیرد. با وجود این مسئولان نسبت به رفع آسیب‌های موجود بی‌تفاوت هستند. به عنوان مثال سال ۸۳، آمار نقاط حادثه‌خیز در کشور ۵ هزار و ۲۰۰ نقطه بود که تاکنون نسبت به رفع خطر از آنها اقدام نشده است. مسئولیت رفع خطر از این نقاط در شهرها به عهده شهرداری‌ها و راه‌ها و جاده‌ها به عهده وزارت راه است. مشخص نیست چند نفر در این مسیرها به دلیل حادثه‌خیز بودن جان خود را از دست داده یا مجروح و دچار معلولیت شده و می‌شوند. با این حال مدام در این نقاط، حوادث ناگوار رقم می‌خورد و منجر به از دست رفتن جان شهروندان می‌شود، اما ظاهراً مسئولان آن زخم‌بستر گرفته‌اند که قادر نیستند به وظیفه قانونی خود عمل کنند. سال‌های زیادی است که پلیس درباره ناایمن بودن خودروهای تولید داخل هشدار می‌دهد. این هشدارها بیش از همه متوجه مسئولان کارخانه‌های تولیدکننده خودروها، سازمان استاندارد، مجلس شورای اسلامی و وزارت صمت است. با وجود اینکه سالانه ۱۷ هزار نفر در جریان سوانح کشته و حدود ۳۵۰ هزار نفر زخمی و معلول می‌شوند، اما مقابل این همه آسیب، ترک فعل‌ها به قوت خود باقی است. گزارش‌های پلیس تهران نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از سرقت تجهیزات شهری به دست مأموران شهرداری طرف قرارداد در حال رقم خوردن است. این سرقت‌ها منجر به افزایش سوانح شهردار دیده نمی‌شود و بیمانکاران سارق همچنان مشغول کارند. یکی از برترف و آمدترین پلیس‌های تخصصی کشور، پلیس قناتست. به دلیل گسترش فضای مجازی، گسترده زیادی از جرائم در این بستر در حال رقم اوست. عمده‌ترین برداشت‌ها در این باره از حساب‌های بانکی در حال رقم خوردن است. پایین بودن امنیت درگاه‌های بانکی سبب شده مجرمان سایبری با عبور از جداره‌های امنیتی بانک‌ها به حساب مشتریان دسترسی پیدا و موجودی حساب آنها را برداشت کنند. اگر خسارت‌های وارد شده به مشتریان متوجه بانک‌ها بود، آنها نسبت به افزایش امنیت درگاه‌های خود اقدام می‌کردند، اما از ترک فعل‌های صورت گرفته و قواعد نوشته شده، بانک‌ها را از مقصر بودن میرا داشته و آنها را در حاشیه امن قرار داده است. ورود آسان اتباع غیرمجاز افغان، هزینه‌های امنیتی زیادی را متوجه کشور کرده است. ترکیب جمعیتی بسیاری از شهرها و محلات حتی در قلب پایتخت و در محله‌هایی مثل امامزاده یحیی تغییر کرده و بروز جرائم زیادی علیه کودکان ایرانی را منجر شده است. فرماندهی مرزبانی، فرماندهی انتظامی و فرمانداران تنها شاهدان بروز این تخلف‌های آشکار هستند و نسبت به ترک فعل‌های خود مورد پرسش هم قرار نمی‌گیرند.

بدیهی است، عمده جرائم و آسیب‌هایی که به کشور وارد می‌شود از ترک فعل سازمان‌ها به جامعه سرایت می‌کند و به پیوست آن، پدنه اجتماعی باید تاوان رفتاری را بدهد که نقشی در بروز آن ندارد. بنابراین بخش مهمی از کسست امنیت متوجه فرارهای آشکاری است که از سوی سازمان‌ها در حال رقم خوردن است.



سرقت لندکروز باقمه

اعضای باند سرقت که با دنیال کردن آگهی‌های سایت دیوار، خودروهای لندکروز را تهدیدیدیمه سرقت می‌کردند، بازداشت شدند به گزارش جوان، چندی قبل مردی به مأموران پلیس تهران خبر داد خودروی لندکروزش سرقت شده‌است. او گفت: من برای فروش خودرویم در سایت دیوار آگهی دادم. مشتریان زیادی برای خرید تماس گرفتند. یکی از آنها اصرار به خرید داشت و بعد از توافق بر سر قیمت با او قرار گذاشتم. وقتی در محل قرار حاضر شدم، ناگهان چند نفر باقمه من حمله کردند. آنها با تهدید خودرویم را سرقت و فرار کردند که من هم تصمیم به شکایت گرفتم.

با مطرح شدن شکایت، پرونده به دستور قاضی به اداره پنجم پلیس آگاهی فرستاده شد. تحقیقات پلیس در این باره جریان داشت که شکایات‌های مشابهی به پلیس گزارش شد. اطلاعاتی که شاکیان در اختیار پلیس گذاشتند، نشان داد آنها به همان شیوه در دام سارقان گرفتار شده‌اند. بعد از آن بود که مأموران متوجه شدند همه سرقت‌ها از سوی اعضای یک باند در حال رقم خوردن است. با تکامل شدن تحقیقات، کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه متهمان را شناسایی و هم‌زمان با دستگیری دو متهم چهار خودروی لندکروز سرقت شده را هم از محل کشف کنند. دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت، تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی (شناسنامه مالکیت) و انت تویوتا لندکروز مدل ۱۹۸۳ به شماره موتور ۸۶۸۹۴۷ و شماره شاسی ۳۷۷۰۵۴ و شماره پلاک ۴۷۵ب ۴۲ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
گلستان

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سواری رنو لوگان I۹۰ مدل ۱۳۸۶ رنگ نقره‌ای متالیک به شماره پلاک ایران ۶۸-۱۹۶د ۸۳ و شماره موتور ۰۵۹۰D۰۱۰۵۹۰K۴M۸۶۹ و شماره شاسی ۰۵۳۷۴D۱۰۵۳۷۴NAPLSRALDV متعلق به احمد بیات مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو و پژو پارس tu۵ مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی N۸۸۷۰۴۲۶ و شماره موتور ۱۳B۰۲۷۵۱۷۹ و پلاک ایران ۴۰-۱۱۱-۹۳ به نام لیلا ریاضتی با کد ملی ۰۷۷۶۸۲۹۸۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی کامیون کشنده اسکانیا*۴-۲۲۰LA-R۴۲۰A مدل ۲۰۱۱ رنگ قرمز روغنی به شماره پلاک ایران ۷۹-۲۴۸-۸۱ و شماره موتور ۰۲۶۶۷۶۵۸۴DC۱۲۰۶L و شماره شاسی ۰۵۲۶۹۲۱۸XLER۴FX۲۰۰۰ متعلق به حسن لشگری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سواری پژو ۲۰۶TU۳ مدل ۱۳۸۳ رنگ نقره‌ای متالیک به شماره پلاک ایران ۳۰-۳۴۶-۳۴ و شماره موتور ۶۸۶۷۰۶۸۶۷FSM۸۴۷ و شماره شاسی ۰۴۱۸۳۶۲۴۰ متعلق به نیمه اسعدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی و کارت خودروی سمند سورن مدل ۱۳۸۵ رنگ خاکستری به شماره پلاک ایران ۴۱-۴۱۶۳۷۵CF۱۹۴۱۹۴NAACC۱ متعلق به محمود خرم‌دل مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی پیکان وانت I۶۰۰ مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید شیری روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸-۶۹۷ب ۸۶ و شماره موتور ۰۹۴۹۰۲۰۲۸P۱۱۸ و شماره شاسی ۰۲۶۹۲۱DGG۳۶AA۳۶AAA۳۶A۳۶A۳۶A۳۶A متعلق به همت تراکشوند مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز